

جمع بندی بحث توقف فعلیت بر شرط و اشکال سوم بر رجوع قید به هیأت در واجب مشروط:

چنانکه گفتیم در این بحث ۳ مبنا مطرح شد.

نخست مبنای مرحوم آخوند؛ ایشان می فرماید: انشاء بالفعل و مطلق است ولی آنچه پدید می آید «وجوب علی تقدیر» است. ایشان انشاء را همان ایجاب می داند و لذا بین انشاء و منشأ، تخلفی نمی بیند چراکه می فرماید «وجوب علی تقدیر» از لحظه ایجاب حاصل می شود. به عبارت دیگر از منظر ایشان ایجاب فعلی، باعث پدید آمدن «وجوب و طلب علی تقدیر» می شد که فعلی است، از دیدگاه ایشان طلب بعد از شرط حاصل می شود ولی «طلب علی تقدیر» است که خود بالفعل است.

مبنای دیگر، سخن مرحوم عراقی بود که ایجاب و وجوب را بالفعل می دانستند. ممکن است بتوان کلام ایشان را به سخن مرحوم آخوند بازگرداند.

مبنای سوم، سخن امام است که می فرمایند جمله شرطیه، صرفاً بیان یک جمله انشائی است و نه ایجاب و نه وجوب به صورت بالفعل موجود نمی باشند. به عبارت دیگر از منظر امام، جمله شرطیه، قبل از حصول شرط یک انشاء است.

ما می گوئیم:

به نظر می رسد روی مبنایی که ما در انشاء اتخاذ کردیم (که مطابق با مبنای امام بود) واجب مشروط را باید چنین تصویر کنیم.

گفته بودیم که انشاء (جمله امر) ایجاد موضوع می کند برای اینکه مخاطب در ذهن خود «بعث اعتباری عقلای» را ایجاد کند (اعتبار کند بعث را)

حال وقتی جمله امر به ضمیمه شرط گفته می شود، این کلام موضوع است برای اینکه مخاطب پس از شنیدن آن، در نفس خود این آمادگی را بیابد که پس از حصول شرط، بعث را اعتبار کند. پس مخاطب با شنیدن آن به صورت بالفعل «بعث علی تقدیر» را ایجاد نمی کند بلکه با شنیدن آن، می فهمد که باید پس از حصول شرط، بعث را اعتبار کند. (و همین تمایز سخن ما با سخن امام است و به نظر می رسد سخن ما مطابق با مبنای ایشان در بحث انشاء است)

توجه شود که طبق آنچه گفتیم تخلف انشاء از منشأ پدید نمی آید چراکه انشاء چیزی جز ایجاد تکوینی موضوع (صوت) نیست و این موضوع همانطور که در جمله غیر شرطیه حاصل می شود، در جمله شرطیه نیز حاصل



می‌شود.

اضف الی ذلک آنکه «بعث علی تقدیر» مفهوم محصل و روشنی ندارد و اگر بخواهیم برای آن مفهوم روشنی تصویر کنیم، لاجرم به سخن ما باز می‌گردد (چراکه اگر تقدیر حاصل نیست، پس بعث نیست و وقتی بعثی نیست، چیزی اعتبار نشده است).

اللهم الا ان يقال: عقلا با شنیدن جمله شرطه، یک اعتبار خاص عقلایی را پدید می‌آورند که همان «بعث علی تقدیر» است و ثمره‌اش هم آن است که پس از حصول شرط، بعث بالفعل می‌شود.

«هذا تمام الکلام فی امکان و کیفیتہ الواجب المشروط»

